



حکومت ساسانیان

ارتش ساسانی افتخار جاودان ایران

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ ۵۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نخبه ی سپاه عهد ساسانی مانند دوره ی اشکانیان عبارت بود از سوار نظام زره پوش و سنگین اسلحه که از سواران نژاده تشکیل می یافت. سواره نظام (اسواران) در صف جنگ مقام اول را حایز و فتح و ظفر منوط به قوت و شجاعت آنها بود. دولت شاهنشاهی اردشیر اول در پناه لشگری آراسته و نیرومند وسعت گرفت. بدون شک خاطرات مبهمی که از دوران عظمت شاهنشاهی هخامنشی هنوز در اذهان باقی بود ؟ در سیاست این شاهنشاه بی تاثیر نماند. این سیاست عبارت بود از: تجدید دولت شاهنشاهی شرق ؟ که بدست اسکندرملعون منهدم شده بود (هرودیانوس). چ



نخبه ی سپاه عهد ساسانی مانند دوره ی اشکانیان عبارت بود از سوار نظام زره پوش و سنگین اسلحه که از سواران نژاده تشکیل می یافت. سواره نظام (اسواران) در صف جنگ مقام اول را حایز و فتح و ظفر منوط به قوت و شجاعت آنها بود.

دولت شاهنشاهی اردشیر اول در پناه لشگری آراسته و نیرومند وسعت گرفت. بدون شک خاطرات مبهمی که از دوران عظمت شاهنشاهی هخامنشی هنوز در اذهان باقی بود ؟ در سیاست این شاهنشاه بی تاثیر نماند.

این سیاست عبارت بود از: تجدید دولت شاهنشاهی شرق ؟ که بدست اسکندرملعون منهدم شده بود (هرودیانوس). چنانچه می دانیم اشکانیان هم برای تجدید عظمت و قدرت هخامنشیان کوشش ها کرده اند ولی کاملاً موفق نشدند. پس موافق این نظر در سیاست اردشیر و جانشینان نخستین او اراده ی جهانگیری و طرح دولت شاهنشاهی مستور است. نظر دیگر این بود که سرحدات شمال و شرق و غرب را از تطاول دشمنان نگهدارند و چون این سرحدات پیوسته در معرض حمله و تهدید همسایگان قرار داشت پس ناگزیر ساسانیان برای تامین این مقصود به لشگری نیرومند نیاز داشتند.

آمیانونس افسر یونانی تبارسواره نظام ارتش روم که متولد شهر انطاکیه در سوریه بوده ؟ از نزدیک شاهد این ارتش مخوف بوده است. او به همراه ژولیانونس امپراتور روم در جنگ با ایران در زمان پادشاهی شاپور دوم ساسانی شرکت

داشته و پس از شکست و کشته شدن ژولیونوس به همراه بازمانده سپاه روم به روم بر میگردد و به کار نگذارش تاریخ 13 روم می پردازد و از نظامی گری کناره می گیرد. او ارتش ایران را در دشت های پهناور میان رودان (بین النهرین) اینگونه توصیف می کند :

ایرانیان افواج منظم سواره نظام زره پوش را با صفوفی چنان انبوه به مقابله ی رومیان می فرستادند ؟ که از برق زره و سلاح آنان چشم دشمنان خیره می شد. افواج سوار گویی یکپارچه آهن بود. تن افراد بکلی از صفحات آهن پوشیده شده بود و چنان این آهن بر بدن می چسبید که مفاصل خشک زره به سهولت از حرکات اعضای بدن تبعیت می کرد. برای محافظت چهره نقابی بر رخ می افکندند و بدین جهت هیچ تیری ممکن نبود بر بدن کارگر شود مگر در سوراخ های کوچکی که در مقابل چشم و شکاف های باریکی که زیر سوراخ های بینی تعبیه کرده بودند و از آنجا با کمال صعوبت نفس می کشیدند. بعضی از آنها نیزه ای در دست گرفته ؟ در یک جا بی حرکت می ایستادند ؟ چنانکه گفتی به وسیله زنجیر آهن به هم متصل شده اند. در جوار آنان تیراندازان دستها را دراز کرده کمان خود را به زه می کردند ؟ به قسمی که زه به جانب راست سینه تماس می یافت و پیکان تیر به دست چپ می پیوست. در اثر فشار ماهرانه ی انگشت ؟ تیر می جست و خروشی از آن بر می خواست و جراحتهی هولناک وارد می کرد.

او در جای دیگر می گوید :

ایرانیان در جنگ مغلوبه طاقت نمی آوردند ؟ زیرا فقط عادت داشتند شجاعانه از دور بجنگند و اگر می فهمیدند که قوای آنها عقب نشینی آغاز کرده است ؟ مانند ابر طوفانی پس می کشیدند و چون از عقب تیراندازی می کردند دشمن نمی توانست آنها را تعقیب کند.

او در ادامه می گوید:

ایرانیان به سوار نظام بیش از سایر قسمتها اعتماد داشتند ؟ زیرا در آن صنف همه ی نجبا و اشراف خدمات بسیار دشواری انجام می دادند.

همچنانکه در عهد هخامنشی مرسوم بود در دوره ساسانیان نیز هیئتی از اسواران برگزیده تشکیل داده بودند که " هیئت جاودانان " نامیده می شد که مرکب از ده هزار نفر بود و فرمانده ی آن ملقب به ورثرگنیگان خودای بود. در کنار این واحد ؟ واحد دیگری نیز وجود داشته است که واسطه ی شجاعت و بی باکی از مرگ به " نام گیان اوسپار " (جان سپار) خوانده می شده اند.

در پشت سر سواره نظام ؟ فیل ها قرار می گرفتند. نعره و بو و منظره ی وحشت آور آنها اسبهای دشمن را می ترسانید. پیلبانان بر پشت آنها نشسته ؟ هر یک کاردهای دسته بلند به دست راست می گرفتند ؟ تا اگر گاهی فیلی در اثر حمله ی دشمن ترسیده و در صفوف لشگر افتد و سربازان را بر زمین افکند و پایمال کند ؟ پیلبانان کارد را در فقرات پشت گردن حیوان فرو برده و از پایش در آورد.

در انتهای سپاه پیاده نظام (پایگان) قرار داشت که فرمانده آنها را پایگان سالار می گفتند. افراد پیاده مانند میرمیلهای رومی مسلح به سپر و نیزه و کلاهخود بودند و در پشت جبهه خدمت می کردند. این پیادگان از

روستاییان عادی بودند که خدمت نظام از وظایف آنها محسوب می شد و بدون امید اجرت و پاداش به جنگ می رفتند. برخی از این گروه سپرهای خمیده بلند داشتند ؟ که از نی ساخته می شد و پوستی بر آن می کشیدند. بطور عموم باید گفت که این دسته سربازان خوبی نبوده اند.

در کنار این واحد ها همواره واحد های ارسالی از دیگر شاهان تابع شاهنشاه ایران نظیر کوهستانی های قفقاز و جنوب دریای کاسپین از جمله گیل ها و کادوسی ها و ورت ها و آلبانی ها و دیلمیان و سواران ارمنی و سربازان سکائی (سیستانی) بودند که در این بین همچون دوران هخامنشی سکاها بهترین یاوران ارتش ایران بودند.

واحد های بزرگ سپاه را گند می گفتند و فرماندهی آنها با گندسالاران بود. تقسیمات کوچکتر را درفش و از آن کوچکتر را وشت می نامیدند که البته هر درفش پرچمی مخصوص داشت که در آن نقشی تصویر شده بود.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ارتش ساسانی افتخار جاودان ایران»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1078/pdf/ارتش-ساسانی-افتخار-جاودان-ایران.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰